

می‌توان ادعایی را توجیه کرد و نه آن را نقد کرد. صرف ادعای این‌که روشن‌فکران دین‌دار به عقل مستقل از شرع ملتزم‌اند، کفایت نمی‌کند. خصوصاً وقتی این ادعا با ادعای پست مدرنیست‌ها در نفی عقل و عقلانیت فراتاریخی مقرون می‌شود، اعتبار خود را به کلی از دست می‌دهد. با پذیرش نسبیت‌گرایی، تساهل و تواضع عقلانی ارزش مطلق خود را به کلی از دست خواهند داد. اگر نگوییم ارزش خود را به کلی از دست خواهند داد، یعنی ارزش آنها نسبی می‌شود و این بدین معناست که ما هیچ توجیه معرفت‌شناسانه یا اخلاقی برای ترجیح نظام اخلاقی مدارامدار و نامدارامدار نخواهیم داشت. بی‌جهت نیست ادعا می‌شود که حقوق بشر و دموکراسی دینی با حقوق بشر و دموکراسی سکولار تفاوت دارد، البته من به روشن‌فکران دین‌دار توصیه نمی‌کنم که از سر مصلحت حق‌پوشی کنند، اما به گمانم حق‌طلبی اقتضا می‌کند که ما از بین این دو موضع متناقض یکی را انتخاب کنیم.

گزارش عر: سیدهای رضوی

یک ایدئولوژی بومی معتبر

آصف بیات

خردادماه ش ۲۴، اسفند ۸۶

اگر مقوله‌های جهان‌اسلامی و جامعه‌اسلامی به صورت انتزاعی استفاده شوند، ممکن است این معنا را بدهند اسلام عامل اصلی‌ای است که تحولات این جوامع را شکل می‌دهد. در مقابل مقوله‌جامعه‌های مسلمان که به عنوان واقعیت‌هایی جمعی درک می‌شوند، به یک اکثریت خودآگاه مسلمان اجازه می‌دهد که واقعیت خود را به شکلی قاعداً متنوع، تعریف کنند. در این نگاه تأکید بر اسلام نیست، بلکه بر مسلمانان است. در این درک جوامع مسلمان آن جوامعی هستند که در آنها ابعادی از اسلام (که به طریق‌هایی متنوع تفسیر می‌شوند) برخی حوزه‌های حیات خصوصی و عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. آنچه بین این کلیت گونه‌گون مشترک است، دعوی همه جوامع مسلمان به اسلام راستین و متون مقدس است. ما این کنشگران اجتماعی هستیم که تعیین می‌کنیم دینمان مداراگرا باشد یا اقتدارگرا. به این معنا احکام دینی چیزی نیستند جز درک ما از آنها، پس تنها توسل به نصوص برای حکم کردن راجع به این‌که ادیان، دموکراتیک هستند یا خیر ما را به جایی نمی‌رساند. چراکه با توجه به این‌که افراد و گروه‌ها منافع و جهت‌گیری‌های متفاوتی دارند، آنها حقیقت‌های مختلف و حتی گاه متضادی را از همان متون درک می‌کنند و ارائه می‌دهند؛ مانند اسلام‌بن‌لادنی و یا اسلام‌الغنوشی (دموکراتیک) که برای فعالیت تحت یک ایدئولوژی بومی‌گرای معتبر در تلاش هستند. اسلام‌گراها تلاش کردند نسخه‌ای از اسلام را معرفی کنند که بتواند به کمبودهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آنان پاسخ بدهد. این شد که اسلام‌گرایی اسلام را به

بازتاب اندیشه ۹۶

۸۲

گزارش‌ها

مثابه یک نظام الاهی کامل با مجموعه‌ای ممتاز و برتر از الگوی سیاسی، قواعد فرهنگی، ساختار حقوقی و نظام اقتصادی تصویر کرد؛ مهم‌تر برای این بود تا به مسلمانان حس عزت، اعتماد به نفس و استقلال‌آیدنولوژی یک بدهد.

اسلام‌گرایان هنگامی که تلاش می‌کنند حاکمیت خود را قاعده‌مند و نهادینه کنند، ملتفت تناقض‌ها و نارسایی‌های نظام خود می‌شوند. آزمون و خطای مداوم را در برابر پرسش‌ها و انتقادهای قرار می‌دهد. تلاش عملگرایانه برای حفظ نظام عاقبت به کنار گذاشتن برخی اصول اولیه آن منجر می‌شود این پسا اسلام‌گرایی نه تنها یک وضعیت که یک پروژه هم هست، پروژه‌ای شامل تلاش و هوشیارانه برای درک عبور کردن از اصول و کیفیت اسلام‌گرایی در حوزه‌های اجتماعی - سیاسی. با این حال پسا اسلام‌گرایی نه ضد اسلامی است و نه غیراسلامی یا سکولار، بلکه نشان دهنده‌ا‌هتمام برای پیوند دادن دین‌داری و حقوق، ایمان و آزادی، و اسلام و اختیار است.

این تلاشی است برای متحول کردن اصول اسلام‌گرایی با تأکید بر حقوق به جای تکالیف، چند صدایی به جای تک صدایی و اقتدارگرایی و ترجیح تاریخی نگری بر نصوص و آینده به جای گذشته.

مژارش مر: سیدهدای رضوی

مبادی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی نگاه نمادین به جهان

غلامرضا اعوانی

تهران امروز، ش ۳۶۲، ۵/۱۲/۸۶

هدف آقای اعوانی از این مقاله، بررسی مناسبات «نماد» یا، به قول قدما، «رمز» با معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی است. نگاه نمادین به عالم و عبارت دیگر، هستی‌شناسی نمادین و رمزی به اندازه تفکر انسان قدمت دارد. سهروردی در مقدمه کتاب حکمت الاشراق، حکمت را از لحاظ توجه به رمز بر دو نوع دانسته است: نوع اول «حکمت بحثی» یا «حکمت استدلالی»، که فاقد نگاه رمزی است و امری رمزی را به ظاهرش تحویل می‌کند، نوع دوم «حکمت ذوقی» یا «حکمت الاهی» یا «تاله» که مبتنی بر رمز است و همه ظواهر و پدیده‌های عالم را رمزی از حقیقتی نهفته می‌داند. سهروردی می‌گوید، اولین کسی که حکمت را رمززدایی کرد و به تعبیر دیگر، حکمت ذوقی را به حکمت بحثی بدل کرد، ارسطوست. ایشان در ادامه می‌گوید که از نظر قرآن کریم، همه عالم و یکایک موجودات «کلمه» اند. همه مخلوقات «کلمه‌الله» اند که با قول «کن فیکون» خداوند پدید آمده‌اند. بنابراین هر شیئی در این عالم کلمه الاهی است. کلمه‌ای مرموز که از حقیقتی نامتناهی در ورای خود، یعنی اسما و